فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

سطوح رفق و مدار 2

رفق با خویشتن 3

جمع‌بندی روایات 3

نکته دهم: توهم معارضه دو دسته از روایات 3

درجه‌بندی روایات 4

شرایط کثرت عبادات استحبابی 5

رابطه دو دسته روایات 6

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)**

**اشاره به مباحث قبل:**

مقوله رفق و مدارا را در چند محور بحث کردیم:

1. رفق و مدارا در روابط اجتماعی که طبق آن، مسأله در «فقه روابط اجتماعی» جای می‌گیرد. روایات این بحث را ملاحظه کردید. رفق در سطوح مختلف روابط انسانی، اسلامی و شیعی و احیاناً روابط خاص‌تر اجتماعی مانند روابط خانوادگی.

2. یک محور رفق و مدارا در ارتباط با خود شخص در اعمال و عبادات وی است. این موضوع باید در فقه خودسازی و فقه التزکیه بحث شود.

3. یک محور دیگر عبارت بود از رفق و مدارا در مقام تعلیم و تربیت و تبلیغ.

این سه محور از یکدیگر تفکیک شد. هر کدام جایی دارد مع الاسف در هر سه محور (فقه روابط اجتماعی، فقه تزکیه و عبادات، فقه تعلیم و تربیت) کار و تولید منقح نشده است.

سطوح رفق و مدار

پس رفق و مدارا در سه منظومه قابل بحث است:

رفق و مدارا در روابط اجتماعی

رفق و مدارا در ارتباط با خود شخص

رفق و مدارا در مقام تعلیم و تربیت دیگران

جمع‌بندی رفق و مدارا بر همین سه مدار دور می‌زند.

در بحث، رفت و برگشت انجام شد؛ برخی مباحث را قرار نبود بحث کنیم، ولی به دلایلی ورود کردیم. در تنظیم بحث باید این ساختار را اعمال کرد:

مقام اول: رفق و مدارا در ارتباطات اجتماعی

مقام دوم: رفق و مدارا در ارتباط با خویشتن و خودسازی.

مقام سوم: رفق و مدارا در فقه تربیتی.

رفق با خویشتن

در ادامه مباحث مقام دوم را تکمیل می‌کنیم.

روایاتی در باب 26 از ابواب مقدمات عبادات (کتاب عبادات) در جلد اول وسایل الشیعه آمده است، این روایات دلالت می‌کند که در مقام عبادت نباید بر خویشتن سخت‌گیری کرد که موجب تنفر به عبادات می‌شود. روایات را به لحاظ سند و دلالت بررسی کردیم.

جمع‌بندی روایات

نه نکته در ذیل روایات مطرح شد.

نکته دهم: توهم معارضه دو دسته از روایات

نکته دهم این است که نسبت روایات ذکر شده با گروه دیگر روایات با این مضمون که «**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ أَحْمَزُهَا**» چیست؟ توضیح اینکه:

در مقابل روایات باب 26 که دال بر عدم سخت‌گیری و توصیه به تدریج و آرام حرکت کردن، داشت، گروه دیگر از روایات داریم که از آن‌ها توهم تعارض شده است. روایات با این مضمون است که «**يُرْوَى عَنْهُ (ص)‏ أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ أَحْمَزُهَا**».[[1]](#footnote-1) و «**وَ قَالَ (ع)‏ أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**»‏.[[2]](#footnote-2)

سند این روایت را بررسی نکردم، ولی چون دومی در نهج‌البلاغه آمده است، سند معتبر ندارد. دیگری هم در بحار آمده است.

در این روایت عمل دشوار را بهتر دانسته است. مجموعه روایات که در مقدمه بحث عبادات آمده است، مؤمن را این‌گونه معرفی می‌کند که به جدوجهد تلاش می‌کند و سختی‌ها را تحمل می‌کند. این جزء فضایل به شمار می‌آید. چون این مطلب روشن است دیگر روایات را نقل نمی‌کنم. اصل مسأله خیلی مسلم است البته در تقریر بحث باید روایات نوشته شود.

 باید در عبادت تلاش کرد و این از فضایل است. نقل شده است که برخی از اهل‌بیت (ع) تا هزار رکعت نماز در شبانه‌روز می‌خواندند. این‌ها برای انسان سرمشق است. این مجموعه روایات در مقابل روایات لزوم رفق و مدارا که بر لزوم آسان‌گیری تأکید دارد، قرار دارند. سخت‌گیری و سختی عمل ارزش آن را بالا می‌برد. وَ قَالَ (ع):‏ «**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**‏».[[3]](#footnote-3)

درجه‌بندی روایات

این مجموعه روایات را اگر تفکیک کنیم می‎‌توان درجه‌بندی کرد.

1ـ برخی از روایات انسان را به جدوجهد تشویق کرده است. در کثرت اعمال نیک و تکاپو داشتن، سختی در کار مفروض گرفته شده است. فرمودند: شیعیان ما گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کنند.

2ـ برخی دیگر از روایات، «**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ أَحْمَزُهَا**»[[4]](#footnote-4) دارد. دلالت این دسته روایات از اطلاقات کلی روشن‌تر است. سختی را تحمل کردن در کار نیک و اعمال صالح، ارزش آن عمل را بالا می‌آورد.

روایت «**أَفْضَلُ‏ الْأَعْمَالِ‏ أَحْمَزُهَا**» در بحار به نقل از فریقین آمده است. این روایت از مشهورات است.

3ـ دسته سوم همین تعبیر «**مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**»[[5]](#footnote-5) است.

سؤال این است که آنچه بحث شد که رفق و مدارای شخص با خودش و اینکه عبادتش موجب تنفر نشود، آیا با این روایات در تعارض است؟ آیا قابل جمع است؟

غیر از تعبیر «مَا أَكْرَهْتَ‏ نَفْسَكَ عَلَيْه‏» سایر تعابیر تعارض ندارد، زیرا تحلیل آن است که کار را انجام دهد. کثرت عبادتی که موجب نفرت شود، مستحسن نیست. مکروه است یا در درجاتی حرام است. تحمیل بر نفس موجب وازدگی و دل‌زدگی شود، مکروه یا حرام می‌شود. اما این روایات اصل کثرت عبادت را مستحب می‌داند.

نسبت این دو در واقع نسبت عام و خاص است؛ زیرا عبادات زیاد و تحمل سختی مستحسن است اما در صورتی که موجب ملال و نفرت شود مستحسن نیست، اعمال زیاد و سخت، خوب است مگر اینکه موجب نفرت و دل‌زدگی شود، در این صورت تخصیص و تقیید می‌خورد.

این‌که گفته شود، این جمع‌بندی با ظاهر روایات نمی‌سازد زیرا عبارت منقول در مورد عبادت امام صادق (ع)، موجب دل‌زدگی و نفرت نمی‌شد تا نهی شود؛ عمومیت ندارد و اصل ملاک را خدشه‌دار نمی‌کند.

در برخی روایات تعبیر «**ثَوَابُ الْعَمَلِ عَلَى قَدْرِ الْمَشَقَّةِ فِيه**‏»[[6]](#footnote-6) یا «**ألثّواب بالمشقّة**»[[7]](#footnote-7) وارد شده است. عمل همراه با سختی و کثرت ثواب زیاد دارد. کثرت عمل عبادی و تحمل سختی در این راه ثواب زیاد دارد و خوب است اما نباید به حدی برسد که نفرت و دل‌زدگی ایجاد کند. نباید موجب تبغیض عبادت شود. «**فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تُبَغِّضْ‏ إِلَى نَفْسِكَ‏ عِبَادَةَ رَبِّك**»‏[[8]](#footnote-8)

شرایط کثرت عبادات استحبابی

مطلب دهم این است که در برابر روایات باب 26، روایاتی است که بر کثرت در عبادت و تحمل سختی و مشقت سفارش کرده است، این طایفه روایات به‌منزله عمومات است و روایات باب 26 مقید و مخصص است،

1. یعنی تحمل سختی و انجام عبادات زیاد نباید موجب نفرت و بُغض و دل‌زدگی شود.

2. چنانچه نباید موجب آزار دیگران شود، خانواده انسان نباید آزار ببیند.

3. نباید موجب غزلت و گوشه‌نشینی از امور اجتماعی شود.

این مطلقات عام است چند نوع تقیید کننده دارد، کثرت اعمال عبادی مستحب است اما به سه شرط محدود شده است:

در شخص تولید نفرت و زدگی نسبت به عبادت نکند. زندگی متعارف خانوادگی فرد را به هم نریزد. الگوی زندگی متعارف اجتماعی را به هم نزند. اسلام با الگوی عزلت و رهبانیت مخالف است.

نتیجه اینکه رفق و مدارا در اعمال خود شخص، مانع از کثرت در عبادت و تحمل سختی نمی‌شود مادامی که منجر به نتیجه معکوس نشود به این معنی که شخصیت روانی فرد یا نظام خانوادگی یا اجتماعی را به هم نریزد. اگر عبادات یکی از سه منظومه را تخریب کند، شخصیت فرد، وضع خانوادگی یا اجتماعی فرد تخریب شود، اینجا آن عبادات مستحب مقید می‌شود.

پس اگر یکی از سه اثر را تولید کند، حرام یا مکروه می‌شود و الا عمل مشقت‌دار مستحسن است.

طلبه‌ای که خانه‌اش را برای رفع گرفتاری دوستش فروخت، زندگی خود و خانواده‌اش به هم ریخت. پس عبادات مستحب نباید آثار مخرب داشته باشد.

رابطه دو دسته روایات

رابطه عموم و خصوص مطلق بین دو دسته روایات است. از تندی و کثرتی که موجب تبغیض عبادت شود، باید پرهیز کرد و رابطه عام و خاص مطلق است. اما اگر رابطه من وجه باشد، رفق هم مطلق است و کثرت عبادت هم خوب است. من وجه یا متعارض می‌شود. تبغیض به خاطر کثرت یا سختی باشد، یا به هر دلیل دیگر. پاسخش این است که روایات باب 26 حاکم و مفسر اطلاقات است. فرض گرفته که کثرت عبادات خوب است. درستش آن است که رابطه عموم و خصوص مطلق باشد.

1. . مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 67، ص 191 [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة ج 2 ص 199؛ مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏68 ؛ ص218 [↑](#footnote-ref-2)
3. . نهج البلاغة ج 2 ص 199؛ مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏68 ؛ ص218 [↑](#footnote-ref-3)
4. . مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 67، ص 191 [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهج البلاغة ج 2 ص 199؛ مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏68 ؛ ص218 [↑](#footnote-ref-5)
6. . على بن محمد لیثی واسطی، عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص218 [↑](#footnote-ref-6)
7. . تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، ص19 [↑](#footnote-ref-7)
8. . كلينى، الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2 ؛ ص87 [↑](#footnote-ref-8)